



# نقش و عملکرد مسجد در تربیت

عبدالرضا ضرابی

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## مقدمه

مشاهدات تجربی، اظهارات دست‌اندرکاران امور مساجد و انجام مصاحبه‌های اکتشافی اولیه، که با چند تن از مردم عادی و برخی افراد فعال در مساجد انجام شده است، نشان می‌دهد که حضور مردم در مساجد نسبت به دوران انقلاب (۱۳۵۶ - ۱۳۵۷) و سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۸ - ۱۳۶۰) کاهش یافته است. بنابراین، اکنون به صورت جدی، این سؤال مطرح است که دلایل این کاهش حضور چیست؟ چرا صفوف نماز جماعت خلوت است؟ چرا شور و نشاط اواخر دهه پنجاه در مساجد دیده نمی‌شود؟ چرا از کتابخانه‌های مساجد، از کلاس‌ها، سخنرانی‌ها و سایر فعالیت‌های مساجد استقبال نمی‌شود؟

در تحلیل پدیده کاهش حضور در مساجد، اولین دلیل عمده‌ای که مطرح است، مقطعی بودن بعضی از نیازها در دوران رونق می‌باشد. طی دهه‌های چهل و پنجاه، به دنبال مجموعه‌ای از تحولات اجتماعی و فرهنگی، یک خواسته و نیاز جمعی در میان مردم پدید آمد: برچیده شدن نظام شاهنشاهی و ایجاد حاکمیت اسلام. کاهش حضور در مساجد در دوره رکود نسبی، تا اندازه‌ای به این دلیل بود که اولاً، با پیروزی انقلاب و ثانیاً با خنثی شدن بسیاری از توطئه‌های

پس از انقلاب، نیازهای مذکور متفی شده بود.

برای این قسمت از تحلیل، نمی‌توان نتایج کاربردی ارائه داد؛ زیرا نیازهای مقطعی یاد شده، مربوط به همان دوره خاص بوده است و نمی‌توان و نباید آن‌ها را در همان شکل سابق احیا کرد. اما یادآوری آن، این فایده را دارد که برخی از دلایل پدیده کاهش حضور را آشکار و قابل فهم می‌سازد.

بر مبنای این تحلیل، به منظور افزایش حضور مردم در مساجد، باید با مداخله در متغیرهایی که موجب تغییر در تعادل نیاز ارزشی مردم شده است، این تعادل را به سوی برتری نسبی نیازها و ارزش‌های جمعی و متعالی، هدایت نمود. اگر بتوانیم فاصله میان واقعیت‌ها و آرمان‌ها را کاهش دهیم، میزان فقر را به حداقل برسانیم، سطح انتظار مردم را از زندگی به گونه‌ای نسبی کاهش دهیم و نهادهای ارشادی و تبلیغی خود را فعال سازیم، به نتیجه خواهیم رسید.

مقاله حاضر دو محور اساسی «نقش و عملکرد مسجد» و «ویژگی‌های نسل جوان» را به اجمال مورد بررسی قرار داده و با عنایت به نقش مسجد در تربیت نسل جوان، پس از ارائه یک گزارش از پژوهشی که نگارنده در این زمینه انجام داده، در خصوص عوامل و

شیوه‌های جذب جوانان به مسجد، راه کارهایی عملی پیشنهاد نموده است.

### نقش و اهمیت مسجد در اسلام

در فرهنگ دینی، نام «مسجد» یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. «مسجد» یعنی: جایگاه سجده، و سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست؛ «السُّجُودُ مِنْتَهَى الْعِبَادَةِ مِنْ بَنِي آدَمَ»<sup>(۱)</sup> در حقیقت، برترین و اصیل‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال مسجد است. بنابراین، در قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد بیش از هر بعد دیگری تکیه شده است.

مسجد جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است؛ «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن: ۱۸) مسجد جایگاه زمزمه و نجوی صادقانه با معبود است؛ «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (حج: ۴)

مسجد پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است؛ «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» (اسراء: ۱) مسجد زیارتگاه خاص باری تعالی است؛ «الْأَطْوَبَى لِعِبَادٍ تَوَضَّأُوا فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي»<sup>(۲)</sup> خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خویش وضو بگیرد، آن‌گاه مراد در خانه‌ام زیارت کند. (پیامبر اکرم ﷺ) انوار تابناک و بی‌آلایش پرستش در مسجد، برای عرش‌نشینان پرتو افکنی می‌کند، آن‌سان که ستارگان آسمان برای ما خاک‌نشینان نور افشانی می‌کنند؛ «إِنَّ بَيْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»<sup>(۳)</sup>

کوتاه سخن آن‌که یکی از نقش‌های اساسی مسجد آن است که زمینه عبادت پر حضور و خالصانه را فراهم نماید تا مؤمنان در آن‌جا با پرداختن به نماز و ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال - به معنای واقعی کلمه - انس بگیرند.

ابعاد تربیتی مسجد به گونه‌ای با ابعاد عبادی آن مرتبط است؛ زیرا عبادت پرورش دهنده روح و روان آدمی بوده و پاسخ به آن در واقع، پاسخ به یک نیاز طبیعی و مهم اوست. کسی که نیازهای جسمی و روانی خود را به طور منطقی پاسخ گوید شخصیتی متعادل می‌یابد.

عبادت و راز و نیاز با خداوند نیاز واقعی و فطری هر انسان و مکمل، بلکه مقوم شخصیت اوست. گرچه عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را به طور نسبی تأمین می‌کند، ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود. بر این پایه، انسان بنا به فطرت خویش، معبد و مسجد را دوست می‌دارد و بدان عشق می‌ورزد.

پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که معبد با انسان هم‌راه و هم‌زاد بوده است. از این‌رو، معصومان عليهم‌السلام در سخنان خویش، مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن بر شمرده‌اند؛<sup>(۴)</sup> پناهگاهی که انسان در آن از دغدغه و اضطراب فاصله می‌گیرد و به آرامش و سکون دست می‌یابد. امام صادق عليه‌السلام به مسلمانان سفارش می‌کند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیوی، به نماز و مسجد پناه

ببرند.<sup>(۵)</sup> بدین‌روی، از یک نگاه، جنبه‌های عبادی مسجد را می‌توان در شمار نقش تربیتی آن نیز به شمار آورد.

مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمن با نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی، اجتماعی وی فراهم می‌کند. در مکتب تربیتی اسلام و بسیاری از مکتب‌های تربیتی دیگر، «انزواطلبی» و «جمع‌گریزی» بیماری روحی شناخته می‌شود، در حالی که اجتماعی بودن و جمع‌گرایی - در حد معقول آن - نشانه سلامت روح و روان انسان و تعادل فکری او به حساب می‌آید. مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع، روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند. افزون بر آنچه گذشت، مسجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و مباحث اجتماعی است و به طور طبیعی، با حضور در چنین مکانی روح تعهد و دردمندی در فرد ایجاد می‌شود.

آنچه اکنون به عنوان «معبد» در دیگر ادیان مطرح است، ارتباطی عمیق و ریشه‌دار با جامعه و مسائل اجتماعی ندارد. اما مسجد در ارتباط با مسائل اساسی و بنیادین جامعه، نهادی مؤثر و دارای جایگاه است. مسجد کانون رایزنی و مشورت است. خداوند متعال پیامبر خویش را فرمان داده تا در کارهای مهم، با مردم مشورت کند؛ «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) مسجد، پایگاهی است که رسیدن بدین مهم را عملی می‌سازد. از این‌رو، نویسندگانی که مسجد را «مجلس شورای مسلمانان» نام نهاده‌اند، سخنی گزاف نگفته‌اند.

رسم مسلمانان در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این بود که هرگاه حادثه‌ای مهم رخ می‌داد، منادی ندا می‌داد: «الصلوة جامعة»؛ یعنی برای نماز در مسجد جمع شوید. این جمله برای مردم آن زمان معنایی خاص داشت. مسلمانان از این ندا می‌فهمیدند که یک امر الهی مطرح است.

ابن سعد در «الطبقات الکبری» به نقل از سعید بن مسیب گفته است: «پیش از تشریح اذان، مردم را با ندای «الصلوة جامعة» به مسجد و نماز جماعت فرامی‌خواندند. پس از آن که اذان تشریح شد با جمله مزبور، مردم را در غیر اوقات نماز، برای کارهای مهم به مسجد فرامی‌خواندند»<sup>(۶)</sup> شواهد گویایی نشان می‌دهد که مسلمانان حتی در خصوص مسائل نظامی نیز در مسجد به مشورت می‌پرداختند.<sup>(۷)</sup>

مسجد خانه آشنایی با دردها و مشکلات اجتماعی و چاره‌اندیشی برای رفع آن‌هاست. امام خمینی رحمته‌الله در گفتاری، این نقش مسجد را مورد تأکید قرار داده، می‌فرماید: «این مسجد الحرام و مساجد دیگر در زمان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مرکز جنگ‌ها و سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده؛ این‌طور نبوده است در مسجد پیامبر، همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد، مسائل سیاسی‌اش بیش‌تر بوده. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح مسلمین در آن جا فعالیت کنند»<sup>(۸)</sup>

مسجد پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای گوناگون است. از این‌رو جایگاه مناسبی است برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در رفع نارسایی‌های اجتماعی. مسجد در

جایگاه اصیل خود، یک الگوی ارزش‌گذاری است، ارزش‌های فراموش شده در مسجد مطرح می‌شود. در مسجد پیامبر ﷺ، گاهی کسانی یافت می‌شدند که نه تنها از جهاد و ایثار بویی نبرده بودند، بلکه از راه‌های گوناگون، نفاق و دودستگی را در جامعه ترویج می‌نمودند و عملاً با پیامبر ﷺ به رویارویی می‌پرداختند. اما با این حال، انتظار داشتند در مسجد جایگاهی والا داشته باشند. امین الاسلام طبرسی در تفسیر خود، می‌نویسد: عده‌ای از «مؤلفه قلوبهم» نزد پیامبر ﷺ آمدند و درخواست کردند در بالای مجلس بنشینند و فقیران و خرقه‌پوشان مانند سلمان، ابوذر، صهیب، عمار و خباب را از خود دور کند تا آن‌ها خود در کنار پیامبر ﷺ باشند؛ زیرا حضور این افراد و مجالست آن‌ها با رسول خدا ﷺ، مانع از شرکت ایشان در محضر پیامبر ﷺ و همنشینی با حضرت می‌گردید. با مطرح شدن این درخواست، آیه ۲۸ سوره کهف نازل گردید: «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشَىٰ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تَطْعَمَنَّا مِنْ أَعْقَابِنَا وَلَا نَكْرِهْنَا وَاتَّبِعْ هَوْيَهُمْ وَكَانَ أَمْرُهُ قُرْطًا»؛ شکیاساز خویش را با آنان که پروردگار خود را صبح‌گاهان و شبان‌گاهان می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند و یک لحظه از آنان چشم‌پوش که به زینت‌های دنیا مایل شوی و هرگز از آنان که دل‌هایشان را از یاد خود غافل کردیم و تابع هوای نفس شدند و به تبه‌کاری پرداختند، متابعت مکن. (۹)

مسجد هرچند یک واحد اجتماعی کوچک، ولی نماد یک جامعه اسلامی و نمونه‌ی عینی حاکمیت ارزش‌های اسلامی است. بنابراین، تحقق ارزش‌هایی از قبیل تقوا، علم، جهاد، برادری، مساوات و عدالت باید از مسجد آغاز شود.

از دیگر جنبه‌هایی که به نقش مسجد در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شود، نقشی است که این نهاد مقدس در گسترش عدالت در ابعاد گوناگون آن و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی ایفا می‌کند. از هنگامی که پیامبر ﷺ مسجد را بنا نهادند، همواره آنان که مورد تعدی و ستم قرار می‌گرفتند به مسجد پناه می‌آوردند و داد‌مطلومان از ظالمان در مسجد ستانده می‌شد. قضاوت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام در «دکه القضاء» مسجد کوفه در امتداد همین نقش مسجد بوده است.

در بعد عدالت اجتماعی نیز مسجد همواره کانون مبارزه با ستم و بی‌عدالتی بوده است. به عنوان نمونه، می‌توان به خطبه آتشین فاطمه زهرا علیها السلام، که در دفاع از مقام ولایت و مبارزه با ستم بر اهل‌بیت پیامبر ﷺ در مسجد النبی ایراد شد، اشاره کرد.

در دوران انقلاب اسلامی، مردم ایران علیه نظام ستم‌شاهی؛ جلوه‌هایی از نقش مسجد را در بعد ستم‌ستیزی، آشکارا مشاهده کردند. تا آن‌جا که می‌توان انقلاب اسلامی ایران را «فرزند مسجد» برشمرد. اکنون نیز جلوه‌هایی از همین مبارزات مقدس را در برخی از کشورهای اسلامی مانند الجزایر، فلسطین اشغالی و بحرین شاهدیم.

از دیگر نقش‌های اجتماعی و سیاسی مسجد، می‌توان کارکرد مسجد را در پرورش نیروهای متعهدی دانست که حکومت اسلامی به آن‌ها نیاز دارد؛ زیرا مسجد یار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد. در سایه رفت و آمد به مسجد، خلق و خوی‌ها و آداب و منش‌های افراد تا حد زیادی هویدا می‌شود. این شناسایی در روابط افراد با یکدیگر سازنده و مؤثر است. حاکمیت اسلامی نیز می‌تواند از این رهگذر، نیروهای متعهد و مورد نیاز خود را بشناسد.

مسجد بستر مناسبی برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد؛ زیرا مرکز حضور و تجمع نیروهای زنده و برگزیده است؛ «لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدًا وَ مِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبًا» (۱۰)

مسجد پایگاه جوان‌مردانی است که در برابر تعرض به مقدسات دینی برمی‌آشوبند و عرصه را بر متجاوزان به حریم دین تنگ می‌کنند. (۱۱) مسجد جایگاه گرد آمدن فرزندان مکتب است؛ آنان که با یک دست قرآن و با دستی دیگر سلاح برگرفته‌اند. این حضور نشان قدرت و عزت اسلام و مسلمانان است و سبب می‌شود تا خیره‌سران نتوانند به حریم دین تجاوز کنند. (۱۲)

از سوی دیگر، در سایه تجمع و انسجامی که مؤمنان در مسجد می‌یابند، می‌توان بهترین تشکل مردمی را برای مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی پی‌ریزی نمود. جامعه‌ای که در راه تحقق ارزش‌های اسلامی گام برمی‌دارد هیچ‌گاه از دستبرد و تجاوز دشمنان دین ایمن نسبی ماند. «و لا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ» (بقره: ۲۱۷)؛ کافران همواره با شما می‌جنگند تا آن‌گاه که شما را از دینتان برگردانند.

همچنین در جهاد اسلامی، رسیدن به پیروزی همواره در گرو برخورداری از نیروهای رزمنده، مؤمن، معتقد و مکتبی است. مسجد در این زمینه، نقشی حیاتی ایفا می‌کند؛ زیرا در حقیقت، رزمندگان مدافع اسلام، پرورش یافتگان مساجدند. دست پرورده مسجد‌گاه چنان به بار می‌نشیند که حتی مریبان خود را نیز دچار شگفتی می‌کند. آنان در نهایت، خار چشم دشمنان دین و مایه عزت و آبروی مسلمانان می‌شوند. خدای تعالی ستم‌ستیزی این‌گونه مسلمانان پارسا و جهادگر را چنین ترسیم می‌نماید: «و مَثَلَهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كِزْرٍ أَخْرَجَ شَطْنُهُ فَأَزْرَهُ فَأَسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّارِعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» (فتح: ۲۹)؛ مثل پیروان راستین پیامبر در انجیل، همچون نهالی است که جوانه خویش را از زمین بیرون می‌آورد، نیرومند و استوار می‌شود و بر پای خویش می‌ایستد تا آن‌که مایه خشم و غضب کافران می‌شود.

در دوران ما نیز بوستان مسجد چنین گل‌هایی پرورد و امام خمینی علیه السلام درباره آنان فرمود: «شما ما را با فداکاری‌ها و خدمتتان خجل کردید. شما حجت را بر ما تمام کردید. شما با کارهای خودتان سبب مباهات و افتخار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شده‌اید. شما امام زمان -

عجل الله تعالی فرجه الشریف - را روسفید کردید. شما در پیشگاه خداوند متعال مقامی دارید که ما باید به شما غبطه ببریم.»<sup>(۱۳)</sup>

## جایگاه مسجد در متون اسلامی

### الف - آیات

۱- «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.» (اعراف: ۲۹)؛ بگو: پروردگارم به عدالت فرمان داده است و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید و او را بخوانید و دین خود را برای او خالص گردانید و بدانید همان گونه که در آغاز شما را آفرید، بار دیگر در رستاخیز بازمی گردید.

۲- «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ.» (توبه: ۱۷)؛ مشرکان را نشاید که به آبادانی مساجد بپردازند، در حالی که خود بر کفر خویش گواهی می دهند. اعمال آن ها بی ثمر است و ایشان در دوزخ جاودانه خواهند بود.

۳- «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (تسویه: ۱۸)؛ مساجد الهی را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورد و نماز را به پا دارد و زکات را بپردازد و از چیزی جز خدا نترسد. امید است چنین گروهی هدایت یابند.

منظور از آباد ساختن مساجد صرفاً آبادی ساختمان نیست، بلکه به معنای اجتماع و شرکت در مسجد نیز می باشد. بنابراین، مشرکان نه حق شرکت در مساجد را دارند و نه حق تعمیر و بنای ساختمان آن ها را. عمران مسجد به هر شکلی که باشد، باید به دست مسلمانان انجام گیرد. البته متولیان و پاسداران مساجد نیز باید از میان پاک ترین افراد انتخاب شوند. باید دست های ناپاک را از تمام این مراکز مقدس کوتاه کرد.

از روزی که گروهی از زمامداران جبار و یا ثروتمندان آلوده و گنه کار دست به ساخت مساجد و مراکز اسلامی زدند، روح معنویت و برنامه های سازنده در آن ها مسخ شد. از این روست که می بینیم بسیاری از این گونه مساجد در کشورهای اسلامی شکل مسجد ضراب به خود گرفته است؛ ساختمان هایی عظیم و باشکوه و دارای جلوه های ظاهری و زیبا، اما درون تهی و بی روح.

ممکن است بعضی بگویند چه مانعی دارد که از سرمایه های غیر مسلمانان برای عمران و آبادی این مراکز استفاده کنیم؟ اما آن ها که چنین می گویند، توجه به این نکته اساسی ندارند که اسلام همه جا عمل صالح را میوه درخت ایمان می شمرد. نیت های ناپاک ممکن نیست عمل پاکی به وجود آورد و محصول مفیدی از خود نشان دهد. جمله «لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ» در دنباله آیه، نشان می دهد که عمران و آبادی و نگهداری مساجد جز در سایه شهادت و شجاعت ممکن نیست. هنگامی این مراکز مقدس اسلامی به صورت کانون های انسان سازی و کلاس های عالی تربیت در می آید که بنیان گذاران و

پاسداران شجاعی داشته باشد؛ آن ها که از هیچ کس جز خدا نترسند و تحت تأثیر هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند و برنامه ای جز برنامه های الهی در آن پیاده نکنند. آنچه امروز بیش تر اهمیت دارد، عمران و آبادی معنوی مساجد است و به تعبیر دیگر، بیش از آنچه به ساختن مسجد اهمیت می دهیم، باید به ساختن افرادی که اهل مسجد و پاسداران مسجد و حافظان آن اند اهمیت بدهیم.

مسجد باید کانونی باشد برای هر گونه حرکت و جنبش سازنده اسلامی در زمینه آگاهی و بیداری مردم و پاک سازی محیط و آماده ساختن مسلمانان برای دفاع از میراث های اسلام. به خصوص باید توجه داشت که مسجد مرکزی برای جوانان با ایمان گردد.<sup>(۱۴)</sup>

در ذیل آیات ۱۷ و ۱۸ سوره توبه (ما كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا...)، تفسیر کاشف می نویسد: «... به این سان می بینیم از آغاز، چگونه مسجد پیوندی ناگسستنی با عبادت، فرهنگ، اقتصاد و سیاست دارد و چگونه با این آیات، ولایت مشرکان را بر مساجد الحرام لغو می کند و اجازه نمی دهد سیاست را از اسلام و مسجد جدا سازند و اداره و عمارت مسجد و سقایت حجاج از مشرکان را به دست گیرند، بلکه باید عمارت و ولایت مساجد خدا به دست افراد با ایمان و متعهد و عامل به دستورهای اسلام (به ویژه نماز، زکات) باشد و آن ها جز از خدا، از کسی نترسند. با این آیات، از زمان پیامبر ﷺ مسجد به صورت کانون عبادی - سیاسی در آمد.»<sup>(۱۵)</sup>

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ...» مساجد خدا را تنها کسانی آباد می کنند که ایمان به خدا دارند... بعضی عمران مساجد را به بنای ساختمان و بعضی به اجتماع و رونق دادن آن می دانند و بعضی هر دو معنای را از مفهوم وسیع آیه استفاده می کنند.<sup>(۱۶)</sup>

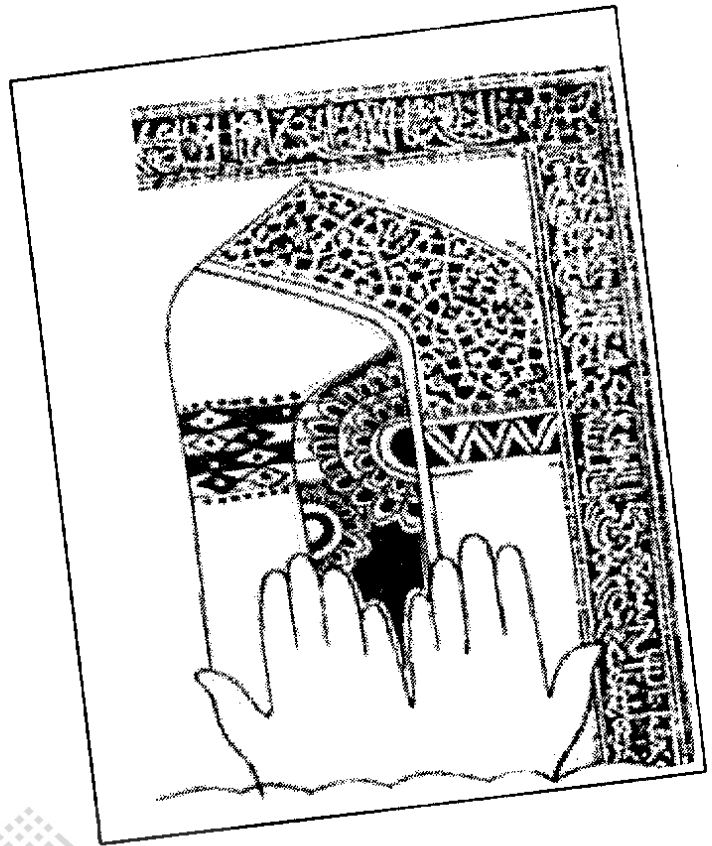
طبیعی است آباد کردن مسجد تنها روی هم گذاشتن سنگ و آجر نیست؛ زیرا این کار را طاغوتیان بهتر انجام می دهند، بلکه ساختن با اخلاص و رونق دادن آن با حضور و اجتماع نمازگزاران و زکات دادن و آن را محراب قرار دادن برای مبارزه با شیطان نفس و دشمنان خداست.<sup>(۱۷)</sup>

عرفا گفته اند: «مساجد اعضای بنده است که به وقت سجود بر زمین نهاده، عمارتش آن است که آن را به ادب شرع دارند و به زیور حرمت بیاریند و هرگز پیش مخلوق از بهر دنیا بر زمین نهند و جز خدای جل جلاله را استحقاق سجود ندانند.»<sup>(۱۸)</sup>

فخر رازی در ارتباط زکات و عمارت مسجد می نویسد: «اعتبار اقامه نماز و پرداخت زکات در عمران و آبادی مسجد گویایی دلالت دارد بر این که آبادی مسجد به حضور در آن است؛ زیرا وقتی انسان نماز گزار باشد، در مسجد حضور به هم می رساند و مسجد را رونق و آبادی می بخشد و وقتی زکات دهنده باشد، طوایف فقرا و مساکین برای دریافت زکات، به مسجد روی می آورند و بدین وسیله، مسجد آباد می گردد.»<sup>(۱۹)</sup>

- آیه دیگری که درباره مسجد در قرآن ذکر شده آیه ۱۱۴ سوره بقره است: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ





الحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ». «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ، فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (توبه: ۱۰۷ و ۱۰۸)؛ گروهی دیگر از آنان، کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن به مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه میان مؤمنان و کمین‌گاه برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود. آن‌ها سوگند یاد می‌کنند که نظری جز نیکی و خدمت نداشته‌ایم، اما خداوند گواهی می‌دهد که آنان دروغ می‌گویند. هرگز در آن مسجد (ضرار) قیام (اقامه نماز و عبادت) مکن؛ آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته‌تر است که در آن قیام کنی؛ زیرا در آن مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

### ب- روایات

قطب راوندی در کتاب لب‌الب، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: من احب الله فليحبني، و من احبني فليحب عترتي، اني تارك فيكم النقلين، كتاب الله و عترتي، و من احب عترتي، فليحب القرآن، و من احب القرآن فليحب المساجد فانها افنية الله و ابنته، اذن في رفعها و بارك فيها، ميمونة، ميمون اهلها مزينة، مزين اهلها، محفوظه اهلها، هم في صلوتهم، والله في حوائجهم هم في مساجدهم والله من ورائهم «کسی که خدا را دوست دارد، قطعاً مرا دوست خواهد داشت و آن که مرا دوست بدارد باید خاندان و اهل بیت مرا نیز دوست داشته باشد. من در میان شما دو چیز گران‌سنگ باقی می‌گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم و هر که اهل بیت مرا دوست بدارد، حتماً قرآن را نیز دوست می‌دارد و هر که دوست دار قرآن باشد مساجد را نیز دوست می‌دارد؛ چرا که مساجد درگاه‌ها و خانه‌های خداست. در مرتفع ساختن آن‌ها اذن داده شده و خدا در آن‌ها برکت قرار داده است. اهل مسجد، مبارک و محترم و آراسته و از خطرات در امانند. آن‌ها در نمازند و خداوند در کار رفع نیاز آن‌هاست، آنان در مسجدند و خدای بزرگ بر آن‌ها ناظر و محیط است.» (۲۰)

همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: «بهترین مردم کسانی هستند که پیش از همه به مسجد داخل می‌شوند و آخر از همه از مسجد خارج می‌شوند.»

در درالذکر نیز از آن حضرت صلی الله علیه و آله نقل شده است: «هرگاه گروهی در مسجدی از مساجد خدا به تلاوت کتاب خدا و فراگیری آن بپردازند، قطعاً آرامش و رحمت خدا بر آنان نازل می‌شود و خداوند نام آنان را در زمره یاران خویش ثبت می‌فرماید. و هر که رفتار او را در مسیر حق کند نماید نسبت‌های خویشاوندی‌اش نمی‌تواند به او سرعت بخشد.» (۲۱)

حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید: «کسی که به مسجد می‌رود، به یکی از هشت چیز می‌رسد:

- ۱- دوستی که در راه خدا از او استفاده می‌کند؛
- ۲- دانشی که نکته آموزنده‌ای به او می‌دهد؛

وَسَعَى فِي خرابِهَا أَوْلَنَكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ و چه کسی ستمکارتر از کسانی است که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری می‌کنند و سعی در ویرانی آن‌ها دارند. شایسته نیست آنان جز با ترس و وحشت وارد این کانون‌های عبادت شوند. و بهره آن‌ها در دنیا رسوایی و در سرای دیگر عذاب عظیم است.

این آیه مصداق کامل عمل رژیم ستم‌شاهی و عمال جیره‌خوار او بود که در دوران انقلاب و پیش از آن با شیوه‌های گوناگون، سعی در ممانعت از اجتماع مردم در مساجد داشتند و عملاً به تخریب باطنی آن‌ها دست می‌زدند؛ چرا که تخریب و ویرانی مسجد صرف از بین بردن ساختمان آن نیست. اگر مسجد دارای روح عبادت و فعالیت مذهبی نباشد ویرانه‌ای بیش نیست. بر این اساس، خداوند متعال از کسانی که سعی دارند مانع عبادت در مساجد شوند و از بردن نام خدا و ایجاد ارتباط بین عبد و معبود در آن‌ها جلوگیری نمایند به عنوان ستم‌کارترین مردم نام می‌برد و به مؤمنان سفارش می‌کند در مقابل این زورگویی‌ها مقاومت نمایند، به طوری که دشمنان نه تنها مانع اعمال آن‌ها نگردند، بلکه در درون خود، ترس و دلهره‌ای را احساس کنند تا توان ورود به این مکان مقدس را نداشته باشند. این جزای دنیایی آن‌هاست که چنین خوار و رسوا شوند. البته خداوند متعال در قیامت به عذاب عظیم گرفتارشان خواهد کرد.

این آیه شریفه به روشنی، نقشی را که مساجد می‌توانند در تربیت اجتماعی، سیاسی و دینی مردم مسلمان داشته باشند، بیان می‌دارد. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيُحْلِقَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا

۳- آیه‌ای از آیات الهی را فرامی‌گیرد؛

۴- کلمه‌ای می‌شود که موجب هدایت او می‌گردد؛

۵- رحمتی به او می‌رسد؛

۶- کلمه‌ای فرامی‌گیرد که او را از شک باز می‌دارد؛

۷ و ۸- گناهی را به دلیل ترس یا شرم ترک می‌کند» (۲۲)

پیامبر ﷺ خطاب به ابوذر می‌فرماید: «ای ابوذر، هر کس برای خدا بر قطعه‌ای از زمین سجده کند، آن زمین در روز قیامت به نفع وی گواهی خواهد داد. هر گروهی که در مکانی فرود می‌آیند (چنانچه نیکو کار باشند) آن مکان بر آن‌ها درود می‌فرستد و (چنانچه) گناه کار باشند، آنان را نفرین و سرزنش می‌کند. ای ابوذر، بخش‌های زمین، هر صبح و شام با یکدیگر به گفت‌وگو می‌پردازند؛ یکی به دیگری می‌گوید: ای همسایه، آیا امروز با کسی که به یاد خداوند باشد یا بنده‌ای که پیشانی‌اش را برای سجده بر تو نهد برخورد داشته‌ای؟ پاسخ برخی مثبت است و برخی منفی. بخش‌هایی از زمین که با چنین انسان‌هایی رو به رو شده‌اند، به شور و وجد آمده، احساس شادی می‌کنند. آنان این موفقیت را که چنین انسان‌هایی بر آن‌ها عبور کرده‌اند، برای خود فضیلت و امتیازی بر همسایه به شمار می‌آورند.» امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که به سوی مسجد گام بر می‌دارد، بر هیچ خشک و تری پانمی‌نهد جز آن که از زمین اول تا هفتم برای او تسبیح می‌گویند.» (۲۳)

شاید مقصود از این حدیث آن است که زمین، چون مؤمن مسجدی را می‌شناسد، او را ثنا و ستایش می‌کند. شاید هم مقصود آن است که زمین، خداوند را تسبیح می‌گوید، ولی ثواب آن نصیب انسان مسجدی می‌شود.

در حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است: «مسجد همدمانی دارد که فرشتگان خدا با آنان همنشین و مأنوس‌اند. درگاه اینان در مسجد، حضور نیابند، فرشتگان سراغشان را می‌گیرند. به هنگام بیماری، از آنان عبادت و دل‌جویی می‌کنند و در سختی‌ها، به یاری‌شان می‌شتابند.» (۲۴)

### ج- تاریخ اسلام

در اسلام، مسجد جایگاهی به وسعت یک مکتب جامع و زنده و متناسب با هدف‌ها و آرمان‌های یک رسالت جهانی و ظرفیتی فراگیر و به فراخی تمامی انسان‌ها و همه بشریت دارد.

اسلام نظامی است که بر پایه ایمان به وحدانیت خداوند عز و جل بنا نهاده شده و مسلمانان امتی واحدند که نظام اسلامی آن‌ها را بر اساس یک سوگند مشترک گرد هم آورده است. بدین روی، می‌توان گفت مسجد مرکز اسلام و خانه مسلمانان است و رسول اکرم صلی الله علیه و آله صاحب دعوت اسلامی و روشن‌کننده مشعل این وحدت. او اولین کسی است که مسجد را با یک چهارچوب سیاسی، اجتماعی و فکری بنا نمود و آن را مقر خویش قرار داد تا اعراب از هر جای جزیره العرب و یا خارج از آن به زیارتش مشرف شوند و درباره دین و

دنیای خویش از وی سؤال کنند. (۲۵)

دین اسلام تنها آیین نجات‌بخش و سعادت‌آفرین بشر است که در همه جنبه‌های زندگی، اعم از اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی، برنامه‌های جامع و کاملی تنظیم نموده و همه را برای آموختن این درس‌ها زیر چتر تعلیم و تربیت خود قرار می‌دهد. از این رو، پیش از هر چیز، به کانونی پر جاذبه نیاز است که بتواند همه اقشار را به خود جذب نماید و در خود جای دهد. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در نخستین فرصتی که در راه دعوت به اسلام به دست آورد، به تأسیس مسجد به عنوان یک پایگاه مهم اجتماعی و تربیتی اسلام اقدام نمود و در اولین قدم، در فاصله زمانی کوتاهی که فریب هفده روز طول کشید، در بین راه هجرت به مدینه و در چند کیلومتری این شهر، اقدام به تأسیس مسجد قبا نمود و به تعلیم و تربیت مسلمانان پرداخت. پس از ورود به مدینه نیز اولین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله ساختن مسجد مدینه بود که قرن‌هاست پایگاه مقدس اجتماعی و تربیتی مسلمانان می‌باشد. بر این اساس، هر روز که از عمر اسلام می‌گذرد و این دین آسمانی در دل‌های شایسته و پاک نفوذ بیش‌تری پیدا می‌کند، بر تعداد مساجد افزوده می‌شود. این موضوع بیش‌تر به این دلیل است که کلیه معارف و مظاهر اسلامی از مسجد سرچشمه می‌گیرد و در دنیای اسلام گسترش پیدا می‌کند.

#### ۱. مسجد؛ کانون مذهبی - اجتماعی

کار مسجد تنها عبادت نیست، مسجد به عنوان خانه خدا، در فقه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و برای آن احکام خاصی وضع شده است. مسجد جایگاه ارشاد و تبلیغ مسائل اسلامی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سپس خلفا ارشادات خود را در مسجد بیان می‌کردند و مسلمانان برای آموزش مسائل دینی به مساجد روی می‌آوردند. بنابراین، مساجد در پی تغییر روحیات و تحلیقات مردم بر اساس موازین اسلامی بودند و در نهایت، ساختار اجتماع در جهت هماهنگی با اصول اعتقاد اسلامی تغییر می‌یافت.

#### ۲. مسجد؛ کانون عبادی

علاوه بر این یکی از ارکان اساسی ادیان الهی و به ویژه اسلام، عبادت است. عبادت در معنای خاص آن، یعنی: راز و نیاز با خداوند و نجوای با او. جوهر و جان عبادت، حضور قلب و توجه دل به خداست.

بشر بر پایه فطرت خود، توحید و یگانگی خداوند را درک می‌کند و ذات پاک حق را از وابستگی به زمان یا مکانی خاص منزّه می‌داند. با این حال، گویا گرایش فطری دیگری نیز او را وادار می‌کند تا در مکانی که انتساب بیش‌تری با خداوند دارد، او را پرستش نماید و با او راز و نیاز کند. جایگاهی که منسوب به خداست، بهتر می‌تواند بشر را از امواج دغدغه‌ها و اضطراب‌ها دور کند و به ساحل آرامش و اطمینان برساند.

#### ۳. مسجد مرکز اجتماع

از آغاز اسلام، از مسجد علاوه بر وظایف دینی و الهی، استفاده‌های

دیگری نیز شده است. این کار حتی پیش از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه نیز صورت می گرفت؛ مردم برای بحث در مسائل روزانه و برای کارهای مهم دیگر گرد کعبه جمع می شدند، پیامبر می نشستند و افراد به ملاقات ایشان می آمدند. و با آن حضرت به بحث و گفت و گو می پرداختند. (۲۶)

با ساختن مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه، استفاده از این مؤسسه جدید به عنوان مرکز تجمع مردم شروع شد. به زودی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و پیروان او مسجد را به عنوان محل عبادت و مرکز تجمع خود در آوردند. این عقیده وقتی قطعی و واقعی به نظر می رسد که می بینیم فعالیت های متعددی در مسجد انجام می گیرد. می گویند: پیامبر صلی الله علیه و آله به طور مرتب از همراهان خود در مسجد دیدن می کردند، با آن ها درباره مسائل دینی و دیگر مسائل به گفت و گو می پرداختند و برای جنگ ها نقشه می کشیدند، نمایندگان به نقاط دور دست می فرستادند و هدایای دولت ها و قبایل را دریافت می داشتند، بیش تر اوقات چادرهایی در حیاط مسجد برای پذیرایی از مهمانان حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر پامی گردید. (۲۷)

مسجد به عنوان یک مرکز اجتماعی از سه طریق، به مراجعان خود خدمت می کرد: خدمت اجتماعی، سیاسی و آموزشی. وسعت و شدت هر یک از این وظایف و نقش ها از محلی تا محل دیگر تفاوت پیدا می کرد و این اختلاف مربوط به مشخصات و کیفیات هر یک از آن نواحی بود. (۲۸)

مسجد به دلیل در دسترس بودن، محل مناسبی برای برگزاری و انجام مراسم گوناگون اجتماعی و مذهبی مسلمانان شد. گویند: حضرت محمد صلی الله علیه و آله به گروهی از سودانی ها اجازه داد که با سپر و نیزه نمایی در مسجد پیامبر اجرا کنند. (۲۹)

همچنین تهیه موادی که برای تأمین آسایش لازم بود و خدمات دارویی و پزشکی برای اعضای مساجد، به خصوص مساجد بزرگ، فراهم می شد. عبدالوهاب می نویسد که در سال ۷۰۷ ق. - یعنی زمانی که کار مسجد سلطان حسن در قاهره شروع شد - سلطان دستور داد تا یک گروه پزشکی شامل یک پزشک عمومی، یک چشم پزشک و یک جراح، جزو کارمندان مسجد شود. این سه طبیب همه روزه در مسجد، دانشجویان و سایر نیازمندان را معالجه می کردند. (۳۰)

#### ۴. مسجد و سیاست

از همان اوایل، مسجد علاوه بر محل تجمع مسلمانان، محل امور سیاسی آن ها نیز بوده. خواست پیامبر صلی الله علیه و آله از ساختن مسجد هر چه بوده باشد، با پیشرفت اسلام، مسجد اهمیت بیش تری پیدا کرد و مرکز سیاسی و مذهبی جامعه جدید گردید. در مسجد، مؤمنان برای عبادت به دور پیامبر صلی الله علیه و آله گرد می آمدند و ایشان سخنان خود را که شامل تسلیم شدن در برابر اراده خداوند و اصول مربوط به زندگی اجتماعی بود بیان می کرد و امور مذهبی و سیاسی مسلمانان توسط مسجد اداره می شد. (۳۱)

ارتباط بین مسجد و سیاست به روش های متعدد انجام

می گرفت؛ یکی از آن ها این بود که پس از هر فتحی، مسلمانان سعی می کردند مسجدی در وسط شهر و نزدیک محل اسکان حاکم شهر، که دارالاماره گفته می شد، بنا کنند. در بعضی شهرها، مسجد به قدری نزدیک به دارالاماره ساخته می شد که دو ساختمان به یکدیگر ارتباط پیدا می کردند و این ارتباط نزدیک نشان دهنده این واقعیت بود که حاکم شهر مسؤول مذهبی و سیاسی آن جامعه است. ساخت و جوهر اسلام در این است که مذهب و سیاست از هم جدا نباشند.

یک نفر می تواند در دو زمینه فعالیت داشته باشد؛ یعنی: هم حاکم باشد و هم رهبر مذهبی؛ یک ساختمان - یعنی: مسجد - نیز مرکز جلب مردم در امور سیاسی و مذهبی بود. (۳۲)

ارتباط مسجد با سیاست در این واقعیت نیز مشهود است که مسجد در زمان صلح یا جنگ، در خدمت جامعه بود. به قول یکی از نویسندگان، چون جنگ یکی از لازمه های ناگسستنی اوایل اسلام بود، مسجد نیز صحنه رویدادهای شبیه جنگ شده بود. (۳۳)

پیدرسن با استفاده از اطلاعات مورخان اولیه اسلام، می نویسد که نتیجه جنگ ها و برخوردهای نظامی معمولاً در مساجد اعلام می شد و مشاوران جنگی در مسجد حضور داشتند و دستورها و فرامینی که در رابطه با جنگ صادر می شد، از طرف فرمانده نظامی یا حاکم اعلام می گشت. (۳۴)

عبدالوهاب می گوید: موقعی که خالد بن کیداد علیه حکومت فاطمیه شورید، سنی های قیروان (تونس) در مسجد بزرگ شهر جمع شدند و ضمن بحث درباره این شورش، تصمیم گرفتند با نیروی انسانی و اسلحه از آن حمایت کنند. در سال ۳۳۳ هـ ق هزاران جنگجوی سنی در مسجد قیروان جمع شدند و سپس به طرف المهدیه، پایتخت و مرکز بنی عبید، به راه افتادند. (۳۵)

بعضی از مساجد از این لحاظ وضع بهتری داشتند؛ مسجد «تنکیز» (Tankiz)، که در سال ۷۱۷ هـ ق در دمشق ساخته شد، از طرف ترکان عثمانی و سپس از طرف فرانسویان به عنوان دانشگاه نظامی مورد استفاده قرار گرفت؛ سالن های بزرگ مسجد به صورت کلاس در آمد و از آن ها به عنوان خوابگاه نیز استفاده می شد. (۳۶)

ماهر می نویسد: موقعی می توان به نقش سیاسی در جامعه اسلامی پی برد که بدانیم نام «خلیفه» در مراسم نماز جمعه نشانه ادامه قدرت و حکومت او و حذف نام او از خطبه های نماز جمعه به مفهوم مرگ، کناره گیری و یا از کار برکنار شدن خلیفه بوده است. (۳۷)

تنبیه و گوش مالی نیز گاهی از طرف خلیفه و عمال او در مسجد انجام می گرفت و در کارهایی از این نوع، تنبیه جنبه رسمی به خود می گرفت؛ مثلاً دستور داده شده بود که هیچ کس نباید آن عده از همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله را که با خلافت حضرت علی علیه السلام مخالف بودند، طرف داری نماید. می گویند که لعن و نفرین به این همراهان پیامبر بر دیوار مساجد بغداد - آن زمان - نوشته شده بود.

قطعاً این اقدامات تبلیغاتی تنها از طرف متعصبان مذهبی به عمل نمی آمد، بلکه فرصت طلبان سیاسی نیز به آن دامن می زدند. مبلغان

ماهر به نام «داعیان»، در بعضی از مساجد استخدام شده بودند تا درباره صفات مذهبی و سیاسی حکام وقت سخنرانی کنند.

نوفی، نویسنده عرب، در این مورد می‌نویسد: در زمان سلطنت الحاکم (۴۱۱ - ۳۸۶ ق)، مبلغان استخدام می‌شدند تا در «جامع الازهر» به تبلیغ سلسله فاطمی بپردازند. (۳۸)

این اختلاف عقاید نتایج برخورد شدید بین گروه‌های مخالف بود. خلیفه عباسی، المعتز، دستور داده بود که مسجد «برائا» واقع در بغداد، خراب و از بین برده شود. این دستور به این دلیل صادر شده بود که شیعیان بغداد در آن مسجد، نام همراهان پیغمبر اسلام ﷺ را بر زبان آورده و علیه خلیفه مطالبی گفته بودند. همچنین می‌خوانیم که در حوالی سال ۳۶۵ ق، دانشجویان و استادان سنی مسجد الازهر به شدت نسبت به انتخاب علی بن نعمان، که تحت‌الحمایه خلفای فاطمی بود، به ریاست قضات یا «قاضی القضاة» الازهر مخالفت نشان دادند و در نتیجه این مخالفت، بسیاری از استادان دستگیر و زندانی گشتند. (۳۹)

**۵. مسجد: محل بیت‌المال مسلمانان**

مسجد در صدر اسلام و سپس در زمان‌های بعد، مکانی برای حفظ خزانه مملکت اسلامی بود. در کتب تاریخ اسلامی، فراوان اشاره شده است به جایی در مسجد به نام «قبه بیت‌المال» که خلفا ثروت نقدی عمومی را که از طریق زکات و مالیات اسلامی و غنائم جنگی به دست می‌آمد، در آنجا جمع و حفظ می‌کردند.

تمی‌الدین‌المقریزی در کتاب خطط درباره مسجد جامعی که عمرو بن العاص در نسطاط مصر بنا کرد، می‌گوید: بیت‌المال مسلمانان در بالای فواره در مسجد جامع قرار داشت، که آن را اسامه بن زید تنوخی، متولی مصر در سال ۹۷۰ ق، بنا کرد. در آن زمان، امیر مصر عبدالملک بن رفاعه الفهمی بود. (۴۰)

این رسته، از علمای قرن سوم هجری، بیت‌المال مذکور را در کتاب الاعلاق‌النفسیه (ص ۱۱۶) توصیف کرده و گفته است: این مکان، شبیه قبه‌ای بود که دارای درهایی از آهن بود و در سمت جلوی منبر قرار داشت. (۴۱)

مسجد جامع ابن طولون، که در سال ۲۶۳ در قاهره ساخته شد، به دستور خود وی، پس از عشا قفل و بسته می‌شد؛ زیرا بیت‌المال در آن قرار داشت. (۴۲)

این مسأله، که خزانه دولت یا بیت‌المال در مسجد جامع شهر نگاه‌داری می‌شد، نشانگر ارتباط محکم بین مذهب و سیاست بود. بیش‌تر صاحب‌نظران معتقدند که این رسم از زمان‌های اول حکومت خلفا شروع شد؛ آن‌ها مسجد را محل امنی برای نگاه‌داری ثروت ملی می‌دانستند.

مامر می‌گوید: خزانه شهر دمشق برای مدتی در مسجد اموی نگاه‌داری می‌شد. (۴۳)

بیدرسن می‌نویسد که در فلسطین، خزانه هر شهر در مسجد جامع آن شهر نگاه‌داری می‌شد. (۴۴)

**۶. مسجد و قضاوت**

«المسجد قصر العدل» تعبیری است که طه‌الربی در کتاب المساجد فی الاسلام به کار برده است.

علی‌علیه‌السلام، امیرالمؤمنین و خلیفه رسول‌الله ﷺ ایام معینی از هفته در مسجد جامع می‌نشست تا بین مردم قضاوت نماید و در پرتو عدالت اسلامی، به حل و فصل اختلافات و منازعات مردم می‌پرداخت. (۴۵)

دائرة المعارف اسلام از کار قضاوت در مساجد به عنوان یک فعالیت سیاسی نام برده، می‌نویسد: این واقعیت که مسجد به عنوان دادگاه قضاوت مورد استفاده قرار می‌گرفت، نشان‌دهنده فعالیت‌های سیاسی مسجد بود؛ زیرا از ابتدا، در جامعه مسلمانان، صدور رأی به طریق حکمیت از وظایف حاکم به شمار می‌آمد و چون بنیانگذار اسلام، حضرت محمد ﷺ، بیش‌تر اختلافات را در مسجد حل و فصل می‌کرد، بنابراین، انجام این‌گونه امور، در مسجد پیش از تشکیل دادگاه‌های معمولی، از کارهای عادی بود. (۴۶)

**۷. مسجد: مرکز آموزش**

مساجد نهادهای اساسی آموزش در زمینه‌های قرآن، احکام، اخلاق و علوم می‌مانند کلام و فقه بوده‌اند. در پیوند با همین نقش آموزشی، به تدریج، مساجد عهده‌دار کتابخانه‌های عظیم و پروتقی شدند که در برخی از شهرهای ایران امروز نیز وجود دارد. (۴۷)

مساجد محل پرورش استادان بزرگی بودند که بعدها خود از علما و مدرسان بنام اسلام گردیدند. طی قرن‌ها، که تمدن اسلامی سیر نزولی خود را طی می‌کرد، مساجد دیگر به عنوان یک نهاد اسلامی، نقش‌ها و کارکردهای مذکور را ایفا نمی‌کرد. با توجه به تحولاتی که در اروپا رخ داده بود و در آن کلیسا صرفاً نقش عبادی داشت، در بازتاب این تحول فکری بر جوامع اسلامی، در کشورهای اسلامی نیز مساجد از نقش اصلی خود تهی گردید و تنها به یک بعد آن، که عبادت بود، توجه می‌شد.

**۸. مسجد و دانشگاه**

مبالغه نیست اگر گفته شود که مسجد در گذشته، همان نقشی را داشت که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کنونی دارند. اساطین علما، که مسلمانان به آن‌ها مباحثات می‌کنند، حیات علمی خود را در رواق‌های مساجد سپری می‌کردند و آن‌گاه که بهره‌کافی کسب می‌نمودند، حلقه‌های درس تشکیل می‌دادند و به تعلیم می‌پرداختند. از این رو می‌توان گفت که مساجد مسلمانان در هیچ روزی از حلقه درس علما و طلاب خالی نبوده، حتی امروزه نیز در این زمینه، مساجد همچون ستارگان فروزانی می‌درخشند و همه ساله هزاران استاد از این مساجد و مؤسسات وابسته به آن‌ها خارج می‌شوند و به نشر اسلام و علوم اسلامی می‌پردازند. از جمله این مساجد، مسجد جامع القرویین، جامع الازهر و جامع عتیق می‌باشد. به طور کلی، نقش نیرومند مسجد در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان برکسی پوشیده نیست.



مارسل بوازور در کتاب *Humanisme de L, Islam* در بخش «اسلام در جهان امروز»، در این باره می‌نویسد: مسجد عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت، نمی‌توان نادیده گرفت، به خصوص در روزگار معاصر، که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دوباره از خود نشان می‌دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمان نسبت به ستمگران و سلطه‌جویان در آمده است. اندک اندک مساجد موقعیت سال‌های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند. تأسیس کتابخانه‌ها و تالار اجتماعات در درون مساجد این حقیقت را آشکار می‌سازد که مساجد در اسلام بدان گونه که بعضی پنداشته‌اند، منحصرأ برای ادای فریضة نماز نیست و یقیناً یکی از مراکز سیاسی و فرهنگی مهم اسلام است. اقامه نماز جمعه وسیله‌ای است برای گردهمایی مسلمانان در روز تعطیل و طرح مسائل مهم اجتماعی و بحث و گفت‌وگو در باب کمبودهای رفاهی؛ نظیر بهداشت، مسکن، تصمیم‌گیری‌های سیاسی، مسائل حرفه‌ای و غیر آن. در حقیقت، برپایی نماز جمعه به کار گرفتن عبادت خداوند است در راه خدمت به امت. گردهمایی جمعه، به ویژه در سال‌های اخیر، در ممالک آزاد شده توسط اسلام، تأثیر و کارایی بسیاری داشته است. در این سال‌ها، علی‌رغم تفرقه و پراکندگی سیاسی مردم، گردهمایی مسلمانان ناخشنود از حکومت‌های ستمگر فاسد، در درون همین مساجد طرح قیام عمومی و مبارزه علیه ستمگران را ریخته و تزلزلی در ارکان فرمانروایی دست نشانندگان استعمار غرب پدید آورده است؛ کاری که احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف در ممالک غرب از انجام آن هنوز ناتوانند. (۴۸)

امام خمینی علیه السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، در این زمینه نقش مسجد در صدر اسلامی بیاناتی دارند:

«در صدر اسلام، همان مسجدی که عالم در آن بود، همان مسجد هم، ارتشی بود و سردارهای سپاه هم همان‌جا بودند و با هم نماز می‌خواندند و با هم عبادت می‌کردند و با هم جنگ هم می‌کردند.» (۴۹)

«در صدر اسلام، مساجد، محافل و نمازها جنبه سیاسی داشته است. از مسجد راه می‌انداختند لشکر را به جنگی که باید بکنند و به آن جایی که باید بفرستند؛ از مسجد مسائل سیاسی طرح‌ریزی می‌شد... مع الاسف، مساجد را ما کاری کردیم که بکلی از مصالح مسلمین دور شد و با دست ما، آن طرح‌هایی که برای ما ریخته بودند، پیاده شد.»

«ارتش اسلام هر جا رفته است و سردارهای اسلام هر جا پا گذاشتند، همان جایی که پا گذاشتند، اول مسجد درست کردند؛ وقتی به قاهره رسیدند، اول خط کشیدند برای مسجد و هر جا این‌طور بود، مسجد مطرح بود، معبد مطرح بود و ارتش اسلام برای آباد کردن مساجد، محراب، کوشش می‌کردند.» (۵۰)

«اسلام مساجد را سنگر قرار داد، وسیله از باب این که از همین مساجد، از همین جمعیت‌ها و جماعت... همه اموری که اسلام را به پیش می‌برد و قیام را به پیش می‌برد، مهیا باشد.» (۵۱)

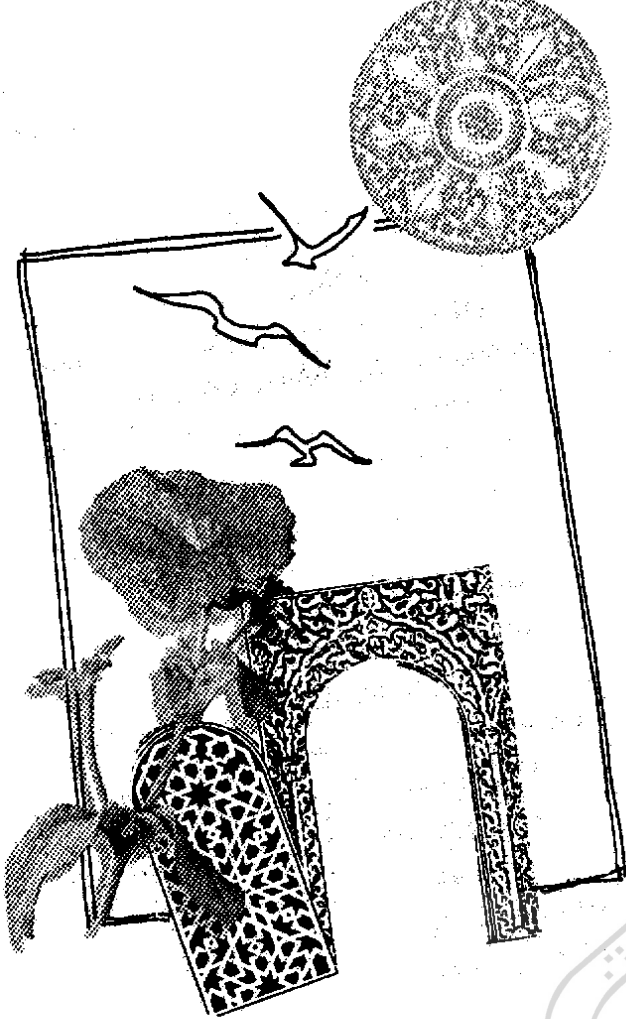
### آموزش در مساجد

مسلمانان در نخستین قرن‌های هجری، بیش از هر چیز، به بحث و تحقیق درباره قرآن و احکام آن و احادیث و روایات و درایت آن‌ها و زبان و فرهنگ عربی، که ملازم قطعی و دایمی دین بود، توجه داشتند. همه این کوشش‌ها فقط در راه تحکیم مبانی دین و نشر و تعلیم آن انجام می‌گرفت. به همین دلیل، مراکز اجتماعات دینی برای مسلمانان، در حکم قدیمی‌ترین مراکز تعلیمی هم بوده است و حتی اگر بخواهیم از مدارس کهن کشورهای اسلامی سخن به میان آوریم، باید مساجد را مورد توجه قرار دهیم و پس از آن هم که ساختن مدرسه برای تعلیم علوم شرعی معمول شد، معماری مخصوص مساجد در آن‌ها مؤثر واقع گردید. باید در نظر داشت که پس از ایجاد و توسعه مدارس، مساجد نیز مانند سابق، جنبه تربیتی و تعلیمی خود را حفظ کرد. علت اساسی آن که مساجد به شکل مراکز آموزشی درآمد، تعلیم علوم شرعی بود. بنابراین، در درجه نخست، علم قرائت قرآن و تفسیر و حدیث و فقه در مساجد و همچنین تعلیم زبان و ادب عربی مورد توجه بود. (۵۲)

### الف - مساجد دانشگاهی کهن

«مسجد النبی»، که هم‌زمان با هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه بنیاد گردید، در واقع، کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و پایگاه اساسی‌ترین تعلیمات در تاریخ آموزش اسلامی بوده است. با توجه به این که در مسجد مدینه، حلقه‌های درس با شرکت پیامبر صلی الله علیه و آله تشکیل می‌شد، محافل ادبی با حضور ایشان تشریف می‌یافت و مسائل حقوقی، سیاسی، فقهی و نظامی با هدایت و راهبری آن حضرت بحث و بررسی می‌شد، با اطمینان می‌توان گفت که شالوده تعلیمات عالی نیز در زمان حیات بنیانگذار اسلام ریخته شد. (۵۳)

تا روزگار خلیفه دوم، که مرزهای اسلامی از حدود جزیره العرب فراتر نرفته بود، مسجد النبی صلی الله علیه و آله در مدینه و مسجد الحرام در مکه و گاهی نیز خانه اصحاب در آن دیار مراکز فعال تعلیمات اسلام بود. در اواخر دهه دوم، با افزایش چشمگیر دامنه فتوحات مسلمانان، مرزهای اسلام از سوی شرق و غرب گسترش یافت و جمع کثیری به آیین اسلام گراییدند که در زبان و نژاد، با اعراب مسلمان مغایرت داشتند. از این زمان، آموزش زبان عربی برای درک معانی آیات قرآن و تعالیم اسلام در سرزمین‌های فتح شده آغاز گردید و آن دسته از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و تابعان ایشان، که دعوت به اسلام و تعلیم مبانی دین را بر حضور در صحنه‌های پیکار ترجیح می‌دادند، در مساجد نو بنیاد به آموزش پرداختند. این مساجد ابتدا در شهرهای کوفه، بصره، حیره و مدائن بنیاد گردید و به دستور



خلیفه دوم برخی از صحابه رسول الله ﷺ مأمور اقامه نماز و آموزش قرآن و مسائل دین شدند. (۵۴)

فاصله زمانی آغاز سده دوم تا پایان سده سوم هجری را می توان از درخشان ترین دوره های تعلیمات مسجدی یا به عبارت دیگر، عصر فعالیت آموزشی دانشگاه های عمومی دانست؛ زیرا دستاوردهای مسلمانان در مسائل گوناگون علمی و فکری در این دوره از تاریخ اسلام و نیز آن قسمت از پیشرفت های اقتصادی، اجتماعی، عمرانی، که پس از استیلای عباسیان به وجود آمد، تأثیر قابل ملاحظه ای در ایجاد هوشیاری و جنبش علمی در مساجد گردید. توجه دقیق به اجتماعات و تشکیل جلسات علمی در مساجد بزرگ و مشهور آن زمان و مجامع ممتاز و مناسبی که با شرکت متفکران و دست اندرکاران مسائل تعلیماتی در آن مراکز به وجود آمد، همه دلایل کافی و آشکاری بر میزان پویایی و باروری فکری و علمی قابل ملاحظه در آن دوره از تاریخ اسلام است. (۵۵)

در این جا به معرفی مشهورترین مساجد آموزشی و یا «مساجد دانشگاهی» می پردازیم:

۱- مسجد نبوی در مدینه: از نخستین مراکز علمی در تاریخ اسلام مسجد النبی ﷺ است که به وسیله پیامبر ﷺ و پس از هجرت آن حضرت به مدینه در سال اول اقامت وی در آن شهر بنیاد گردید. مسجد النبی ﷺ به مرور ایام و گذشت زمان، دست خوش پاره های تحولات و اصلاحات شد تا سرانجام به صورت کنونی در آمد.

پس از رحلت آن حضرت، بزرگان صحابه و سپس تابعان در این مسجد به تدریس و تعلیم می پرداختند. تعلیم مبانی فقه مالکی به دست بنیانگذار آن، امام مالک، در این مسجد آغاز شد. با آن همه اعتبار و عظمتی که برای این مسجد فراهم گردید، تدریس و بحث در زمینه مسائل دینی و علمی، حتی در زمان پیامبر ﷺ نیز منحصر و محدود به این مسجد نبود و در خود مدینه مساجد دیگری، اگرچه کوچک تر و محدودتر از مسجد بزرگ نبوی، فعالیت آموزشی داشتند. (۵۶)

بنا به گفته سهیلی، در شهر مدینه علاوه بر مسجد النبی ﷺ نه مسجد دیگر بود که در همه آن ها با اذان بلال، اقامه نماز می شد. همچنین به گفته بکیر بن عبدالله بن الاشجع که دود و دارقطنی به ترتیب، در مراسیل و سنن خود آن را روایت کرده اند، از جمله آن نه مسجد، مسجد «راتج»، مسجد «بنی عبدالاشهل»، مسجد «بنی عمرو بن مندول» و مسجد «جهنیه و اسلم» بود. (۵۷)

غزالی نیز در کتاب فاتحه العلوم چنین یاد کرده است که: «مکحول گفته است: ده تن از اصحاب رسول خدا ﷺ گفتند: ما در مسجد قبا سرگرم فراگیری دانش بودیم که ناگهان پیامبر خدا ﷺ در آن جا حضور یافت و فرمود: آنچه می خواهید، بیاموزید و خدای شما را پاداش نهد، مگر آن که بکار بندید آنچه را که فرامی گیرید.» (۵۸)

۲- مسجد الحرام در مکه: این مسجد از مسجد النبی ﷺ در مدینه کهن تر است. اما تنها پس از فتح مکه در سال هشتم هجری، در زمینه

اهداف و اغراض اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. تمامی دوران امویان و نیمه اول عصر عباسی از درخشان ترین مراحل تعلیماتی این دانشگاه بزرگ ملی بوده است. رازی به نقل از حمیدی گفته است: بنا بر مشهور، مجالس حلقه فتوا در مسجد الحرام به ترتیب به عبدالله بن عباس [م ۶۸ هـ ق] و پس از وی به عطاء بن اسی رباح و سپس به ابن جریر [ابو خالد، م ۱۴۹ ق] بعد به مسلم بن خالد زنجی، آن گاه به سعید بن سالم قدام و پس از او به محمد بن اوریس شافعی [م ۲۰۴ ق] اختصاص داشت. (۵۹)

۳- مسجد جامع بصره: این مسجد در سال ۴۱ هـ ق. به دست زاید بن ابی، عامل معاویه بن ابی سفیان بر بصره، تجدید بنا یافت. نهضت معتزله، که در جریانات فکری و سیاسی عصر اول عباسی تأثیر بزرگ و قابل ملاحظه ای داشت، نخست در جامع بصره پدیدار گشت. (۶۰)

۴- مسجد جامع کوفه: این مسجد در سال ۱۷ هـ ق. بنا نهاده شد. انتقال علی بن ابی طالب علیه السلام به کوفه و انتخاب این محل به عنوان مرکز حکومت اسلامی از سوی آن حضرت در شکوفایی و جنبش علمی این مسجد تأثیری چشمگیر داشت. جامع کوفه پیوسته مسیر رشد و ترقی را پیمود تا در آغاز دولت عباسی، از مراکز مهم حل و عقد علوم و معارف اسلامی گردید و با جامع بصره به رقابت برخاست و مسائل و مبادلات علمی و ادبی بین این مرکز دینی و ادبی اسلامی در بارور ساختن علوم عربی به مقدار زیادی مؤثر افتاد. (۶۱)

علامه مرحوم استاد زکی (باشا) دو دانشگاه بزرگ بصره و کوفه را از نظر روابط علمی و ادبی و رقابت های فی مابین و آثار متبادلی که با یکدیگر داشته اند با دو دانشگاه بزرگ انگلیسی - یعنی: آکسفورد و

کمبریج - همانند دانسته است. (۶۲)

در زمینه‌های فقه، اصول، تفسیر و کلام اکنون در حوزه‌های علمی بزرگ و کوچک رایج است و علاوه بر جنبه‌های علمی، جنبه‌های تربیتی و اخلاقی در آن‌ها مد نظر استادان و طلاب می‌باشد.

### پژوهشی پیرامون عوامل مؤثر در جذب نسل جوان به مسجد نسل جوان و ویژگی‌های آن

دوران نوجوانی و جوانی، هر کدام نسبت به دوره پیش از خود مرحله مستقلی از حیات به حساب می‌آید؛ دوره‌ای که به علت وجود تمایلات متضاد، عده‌ای از دانشمندان آن را مبهم‌ترین دوران زندگی می‌شمارند. با همه بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌هایی که در این زمینه به عمل آمده است، باز هم نقاط مبهم و تاریک بسیاری در آن وجود دارد.

دوران نوجوانی و به خصوص مرحله بلوغ را ولادت تازه ذکر می‌کنند و این به دلیل ویژگی‌های آن است، به گونه‌ای که گویی رابطه‌ای بین این فرد با دنیای سابقش وجود ندارد؛ دوره‌ای کاملاً مستقل و از لحاظ تجربه کاملاً متفاوت با گذشته.

این مرحله از حیات سن خواستن، به شگفت آمدن، طرد و گاهی تمکین، سر فرود آوردن، نفی و انکار، حمله و سرکوب کردن است، سن مبارزه و تلاش و کار و کوشش است؛ به همراه رشد بدن، عواطف و احساسات گرم و آتشین نیز در آن پدید می‌آید، سن خود نمایی و غرور است، سن بلند پروازی است، سن استقلال طلبی است، هیجان و بی‌قراری است، افراط و تندروری است و در عین حال، سن خودشناسی و به خود آمدن است.

اسلام این نسل را از بزرگ‌ترین سرمایه‌ها تلقی کرده و از نیرویشان در جهت خیر و سعادت استفاده نموده است. از شور و نشاط جوانان، از قدرت جسمی‌شان استفاده بسیاری برده شده و بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی زمان پیامبر ﷺ از طریق آنان رفع گردیده است.

پیامبر اکرم ﷺ از همان آغاز، توجهی فوق‌العاده به این نسل داشتند و با استفاده از زمینه فطری آن‌ها کوشیدند آنان را به اصول اخلاقی و مذهبی آشنا کنند و به سوی خیر جهت دهند. در دوران پیش از هجرت، همین نوجوانان با نمایش برنامه مذهبی و نماز و دعایشان مشرکان را به تعجب و ستوه آوردند. سعید بن مالک هفده ساله از مبارزان سرسخت مشرکان، نمونه‌ای از این جوانان است.

رسول خدا ﷺ با ملاحظه شرط صلاحیت و ایمان و عقل و هوش آنان و علم و اخلاق و تدبیرشان به برخی از آنان مسئولیت‌هایی می‌دادند؛ مصعب بن عمیر نخستین مأمور اعزامی پیامبر ﷺ به مدینه برای تبلیغ اسلام بود، در حالی که سن و سال کمی داشت، عتاب جوانی ۲۱ ساله و نخستین فرماندار مکه از سوی پیامبر ﷺ پس از پیروزی اسلام بود، اسامه جوان هجده ساله، فرمانده سپاه اسلام در جنگ با روم بود. (۶۹)

این جوانان و افراد مشابه دیگر از آغاز، خود را برای تحمل

شده مسجد جامع قسطنطین (جامع عمرو)؛ این مسجد بزرگ در سال ۲۱ ه.ق. به وسیله عمرو بن العاص (م. ۴۲ ق) بنیاد گردید و از همان روزهای نخست، برای مسائل آموزشی مورد استفاده قرار گرفت و در طول حیات خود، مورد توجه و عنایت دولت‌های طولونی و اخشیدی و فاطمی بود. روش آموزشی معمول در این مسجد غالباً مبتنی بر مذهب شافعی بوده است. (۶۳)

مساجد دانشگاهی یا دانشگاه‌های عمومی و آزاد را تقریباً در همه سرزمین‌های اسلامی می‌توان یافت. معروف‌ترین آن‌ها عبارتند از: جامع دمشق در شام (اواخر قرن اول)، جامع زیتونیه در تونس، (اوایل قرن دوم)، جامع منصور در بغداد (نیمه اول قرن دوم)، جامع اعظم قریه در اندلس (نیمه دوم قرن دوم)، جامع قزوین در فاس مراکش (نیمه اول قرن ۳)، جامع الازهر در مصر (نیمه دوم قرن ۴)

### ب - مساجد دانشگاهی در ایران

نمونه این مساجد دانشگاهی در ایران اسلامی فراوان به چشم می‌خورد و ایرانیان در استفاده آموزشی از این مساجد، اگرچه فضل تقدم را از آن خود نساختند، اما بسیار سریع دست به کار شدند. در قرن اول هجری، مسجد آدینه سیستان ساخته شد و حسن بصری در آن به آموزش پرداخت. (۶۴)

در اواخر همان قرن، مسجد جامع بخارا پای گرفت و حلقه‌های درس در آن تشکیل شد. در قرن‌های بعد، نمونه این مساجد در نیشابور، همدان، کرمان، یزد، قزوین، شیراز، اصفهان و حتی بخش‌ها و شهرهای درجه دوم چون بردسیر کرمان تأسیس شد و مورد استفاده عالمان و متعلمان قرار گرفت. (۶۵)

صاحب عباد می‌نویسد: یکی از مراکز معتبر علمی - اسلامی در مرکز ایران، شهر تاریخی اصفهان است که چهره‌های درخشان تاریخی و ادبی و شخصیت‌های بارز علمی همچون حمزه اصفهانی، ابن واضح یعقوبی، ابوالفرج اصفهانی، حافظ ابونعیم اصفهانی، راغب اصفهانی و وجود مساجد کهن و مراکز متعدد علمی نام این شهر را از همان سده‌های نخستین اسلام در تاریخ فرهنگ تمدن اسلامی به عنوان «دارالعلم شرق» شهرت داده است. (۶۶)

نیشابور، که یکی از مراکز مهم سیاسی و علمی خراسان بود، از این‌گونه مساجد بزرگ که در آموزش و پرورش از آن‌ها استفاده می‌شد، فراوان داشت؛ مانند مسجد «جامع منبعی» و مسجد «مطرزی» و مسجد «قدیم». (۶۷)

در بردسیر کرمان، مسجد بزرگی به نام «جامع تورانشاهی» وجود داشت و در آن کتابخانه‌ای دارای پنج هزار جلد کتاب بنا شده بود. در یزد، علاءالدوله کالنجار، از امرای دوره سلجوقی، مسجدی داشت که به «جامع قدیم» یا مسجد «قدیم جمعه» مشهور شده و تادیرگاه - یعنی: حدود قرن نهم - مورد استفاده اهل علم بود. (۶۸)

استفاده از مساجد به عنوان دانشگاه و تشکیل کلاس‌های درسی

هرگونه آزار و شکنجه آماده کرده و برای دفاع از حریم اسلام صف بسته بودند. این هنر رسول گرامی صلی الله علیه و آله بود که توانست از این قدرت‌ها و توانایی‌ها برای عزت و سعادت اسلام و جامعه‌شان استفاده کند و از هدر رفتن این نیروها جلوگیری نماید.

مرحله بلوغ و نوجوانی فرصتی است بزرگ و طلایی که اگر در این دوران، جوانان نیکو پرورش یابند، موانع و مشکلات تربیت و هدایت از سر راهشان برداشته شود، می‌توانند نیرویی شگفت‌انگیز در خدمت سعادت خود و دفاع از جامعه و ارزش‌های انقلاب اسلامی باشند.

خطر مهم این است که بسیاری از نوجوانان و جوانان به علت بی‌بند باری، هیجانانگیز، بی‌قراری‌ها، افکار تند و بی‌حساب، وهم و خیال و طغیان، تن به افراط و تندروری داده، یا به کارهای ناپسند و خطر آفرین و هولناک دست می‌زنند.

از سوی دیگر، اینان نیاز دارند به قدرت و اهمیت خود پی برند و خود را آن‌چنان که هستند، پذیرا شده، محترم بشمارند و برای خود ارزش و کمال قایل شوند. آنان نیاز به مربیانی دارند که به صورت غیرمستقیم و البته گاهی نیز مستقیم آن‌ها را به خواسته‌هایشان برساند و به سوی هدف راهنمایی‌شان نماید.

توصیه اسلامی در رابطه با طرز برخورد و طرز تلقی از نوجوانان و جوانان این است که آنان را باید چون وزیر و مشاور برای خود برگزید و در کارها و حوادث، آن‌ها را هم‌راه خویش و هم‌قدم خود به حساب آورد و با مشاوره‌ها و هدایت‌ها، آن‌ها را به تدریج در حل مسائل و مشکلات یاری داد.

همه روان‌شناسان بین بلوغ و جهش ناگهانی احساسات مذهبی رابطه‌ای قایل اند و حتی می‌گویند: نهضت مذهبی در بین آن‌ها که قبلاً نسبت به مذهب لاقید بودند دیده می‌شود. تمایلات ایمانی و اخلاقی نشو و نماهای مذهبی در آن‌ها زنده می‌شود و علاقه‌مند می‌گردند تا از علل و مفاهیم آن باخبر شوند.

شکفته شدن تمایلات اخلاقی، آنان را به جست‌وجوی حق و پی بردن به حقیقت می‌فرستد و هم آنان را وامی‌دارد در این سن، به زهد و تقوا و عبادت روی آورند، می‌کوشند درهای معرفت را به روی خود بگشایند و فطریات نهفته شده را در خود بیدار سازند، عشق به خدا در آنان شدت می‌یابد و یا احساس قبلی‌شان درباره خدا متفاوت می‌گردد، جهش‌های عارفانه‌ای در آن‌ها پدید می‌آید، روابط انسان با خدا که برای آنان بی‌مفهوم بوده، در این سن مفهوم پیدا می‌کند.

به عقیده برخی از روان‌شناسان (استانلی هال)، این احساسات در حدود شانزده سالگی پیدا می‌شود. برخی دیگر دوازده سالگی را سن آغاز آن ذکر کرده‌اند، با این تفاوت که با گذشت عمر، این مسأله تشدید می‌شود و البته هر چه شدیدتر شود، تأثیر ایمان در افکار و اعمال بیش‌تر می‌گردد. (۷۰)

دوران بلوغ و ایام شباب برای نوبالغان و جوانان دوره توجه شدید به ارزش‌ها و زیبایی‌های زندگی در شؤون مختلف مادی و

معنوی است. بدین‌روی، اخلاق آنان بر معیار ارزش‌های زندگی توسعه می‌یابد و شخصیت‌شان بر همان اساس رشد می‌کند.

برای آن‌که نوبالغان و جوانان به اخلاق حمیده و صفات پسندیده متخلق گردند و شخصیت آن‌ها به خوبی و شایستگی رشد نماید و در نتیجه، به سعادت واقعی نایل گردند، لازم است همواره به سه نکته اساسی متوجه باشند:

**اول. ارزش ایام عمر:** جوانان باید بدانند که هر روز از ایام زندگی آنان به منزله یک واحد از مجموع نقد عمر آن‌هاست. در نظر اولیای گرامی اسلام، خوشبختی و سعادت کامل نصیب کسانی می‌شود است که از تمام لحظات عمر خود به درستی استفاده کنند و هر روز، به مقدار یک روز بر کمال معنوی و رشد شخصیت انسانی خویش بیفزایند.

**دوم: ارزش‌های زندگی:** در نظر بعضی از جوانان، علم و ایمان، فضیلت و تقوا، کار و کوشش و نظایر این‌ها بزرگ‌ترین ارزش زندگی است. ایان شخصیت خود را بر وفق این ارزش‌ها می‌سازند و سیمای اجتماعی خویش را با دست یافتن به آن‌ها می‌آرایند. امام جواد علیه السلام از جدش، حضرت علی علیه السلام حدیث کرده است که فرمود: «معیار ارزش هر انسانی آن چیزی است که وی را نیکو می‌کند و به او کُسن و جمال اجتماعی می‌بخشد.» (۷۱)

جوانان موظفند با کمک تعالیم الهی و مربیان لایق، ارزش‌های واقعی و ثمربخش زندگی را به درستی تشخیص دهند و در انتخاب آن‌ها کمال دقت را معمول دارند و بهترین ایام عمر را در راهی صرف کنند که سرانجام به آنان عزت اجتماعی و سعادت انسانی می‌بخشد.

**سوم. حدود ارزش‌های اخلاقی:** نکته دیگری که در رشد صحیح شخصیت جوانان اهمیت بسیار دارد، شناخت اخلاق پسندیده و تمیز آن از صفات ناپسند است. برای آن‌که جوانان در فراگرفتن اخلاق پسندیده و رشد شخصیت، به خطا نروند و دچار سیئات اخلاقی نشوند، لازم است همواره از تعالیم دینی و برنامه‌های علمی استفاده کنند و با کمک راهنمایان شایسته و مربیان لایق، در راه پرورش خلیقات خویش قدم بردارند.

وظیفه مربیان نسل جوان این است که برنامه پرورش جوانان را طوری تنظیم نمایند که از طرفی، حاوی تمام ارزش‌های ایمانی و اخلاقی، علمی، عملی، جسمی، روانی، مادی و معنوی باشد و از طرف دیگر، کیفیت و کمیت مواد برنامه را طوری اندازه‌گیری کنند که اجرای آن برای جوانان سنگین و طاقت‌فرسا نباشد، و جد و نشاط آنان را در هم نشکند و به نیرو و قدرتشان آسیب نرساند. (۷۲)

در آیین مقدس اسلام، توانایی و قدرت افراد و همچنین رغبت و نشاط آنان در ادای وظایف عبادی و انجام برنامه‌های تربیتی، مورد کمال توجه قرار گرفته و این مطلب ضمن آیات و روایات متعددی صریحاً خاطر نشان شده است؛

«لَا يَكْفُفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶): خداوند به هیچ کس بیش از قدرت و توانایش وظیفه‌ای را محول نمی‌کند.



- «عن ابی عبدالله علیه السلام: قال: «لا تکرهوا الی انفسیکم العبادة»؛ (۷۳)  
امام صادق علیه السلام فرمودند: عبادت خدا را با بی میلی به نفس خود تحمیل  
نمایید.

نیمی از پیروزی و موفقیت جوانان در رشد شخصیت و نیل به  
سعادت، بر عهده مربیان لایق و مرتبط به برنامه جامع و متناسبی است  
که برای آنها تنظیم می‌کنند و نیم دیگر بر عهده خود جوانان و  
مربوط به طرز عمل آنان در اجرای آن برنامه‌ها.

وظیفه جوانان است که در راه رسیدن به ارزش‌های زندگی و  
تأمین خوش‌بختی‌های مادی و معنوی، از فرصت جوانی استفاده  
نمایند و نیروی خود را با اندازه‌گیری صحیح در انجام وظایف مقرر،  
طبق برنامه تنظیم شده به کار اندازند و موجبات تعالی و رشد  
شخصیت خویش را از هر جهت فراهم آورند.

جوانان در راه نیل به ارزش‌های مشروع زندگی، باید مراعات  
اعتدال و اندازه‌گیری را بنمایند و از افراط و تفریط بپرهیزند، عبادت  
به اندازه، کار به اندازه، استراحت به اندازه، ورزش به اندازه، و  
بالاخره همه چیز را با اندازه‌گیری صحیح انجام دهند.

اولیای گرامی اسلام علیهم السلام در برنامه‌های تربیتی خود، به این نکته  
عنایت کامل نموده و پیروان خویش را در ادای تمام وظایف علمی و  
عملی، عبادی و اقتصادی و مادی و معنوی از زیاده‌روی و افراط و  
نیز از مسامحه کاری و تفریط برحذر داشته‌اند. (۷۴)

جوانانی که از برنامه‌های دینی و علمی بی‌نصیب مانده‌اند و  
جوانانی که مربی لایق نداشته و یا داشته ولی به دستورشان عملاً  
بی‌اعتنا بوده‌اند، همواره در معرض انحراف‌های اخلاقی و بیمارهای  
روانی قرار دارند و احساسات پر شور و حساب نشده جوانی، آنان را  
به پرتگاه سقوط و تباهی سوق می‌دهد. (۷۵)

جوانان از یک طرف، به دلیل کمی سن و نارسایی عقل و نداشتن  
تجربه کافی، مردم را کم‌تر می‌شناسند و از نیرنگ‌های افراد خائن  
بی‌اطلاع‌اند و از طرف دیگر، بر اثر این‌که فطرت پاک انسانی در  
نهادشان دست نخورده و سالم مانده است، به همه مردم با چشم  
خوش‌بینی می‌نگرند و تمام افراد را پاک و منزه می‌پندارند. به علاوه،  
احساسات تند و افراطی به آنان مجال بررسی و تحقیق نمی‌دهد و در  
کارهایی مطالعه تصمیم می‌گیرند. (۷۶)

یکی از تمایلاتی که در همه جوانان به طور طبیعی وجود دارد و  
روی شخصیت‌شان اثر می‌گذارد، علاقه به کارهای نو و افکار جدید  
است. جوانان، ناخواسته تمام ممیزات طبیعی و صفات ثابت دوران  
شباب و اوضاع و احوال اختصاصی زمان خود را منعکس می‌کنند.  
آنان شیفته مطالب و مقالات تازه و سبک‌های نوین روزگار خود  
می‌باشند، به سخنان جدید با کمال دقت گوش می‌دهند و درباره  
مطالب نو با علاقه فراوان گفت‌وگو می‌کنند. (۷۷)

وقتی پیشوای گرامی علیه السلام آیین جدید الهی و برنامه‌های نوین  
مذهبی خود را به مردم عرضه کرد و بزرگ‌ترین انقلاب  
سعادت‌بخش جهانی را پایه‌گذاری نمود، جوانان با شور و گرمی

زایدالوصفی به آن دین مقدس گرویدند و با رهبری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله  
به منظور امحای عقاید غلط و سنن فاسد به پا خاستند و بر اثر  
مجاهده و کوشش پیگیر خود، توانستند در مدت کوتاهی محیط  
حجاز را از آن همه پلیدی و ناپاکی تطهیر کنند و جامعه عقب افتاده را  
به عالی‌ترین مدارج کمال برسانند. (۷۸)

یکی از مسائلی که لازم است مورد دقت و توجه واقع شود و  
دانستن آن برای نسل جوان ضرورت دارد، این است که صفات  
اخلاقی و عادات اکتسابی، که پایه اساسی و مایه اصلی شخصیت  
آدمی در ایام جوانی می‌باشد، قابل تحول و تغییر است. به عبارت  
دیگر، تربیت‌های خوب و بد و عادات پسندیده یا ناپسندی که  
جوانان آنها را در دوران کودکی و ایام بلوغ از محیط خانواده و  
اجتماع آموخته و بدان‌ها خو گرفته‌اند تخلف‌ناپذیر و غیرقابل  
اجتناب نیست، بلکه در شرایط مخصوص و مساعد، ممکن است  
همه آن صفات تغییر کند و صفات تازه‌ای جایگزین آنها  
گردد. (۷۹)

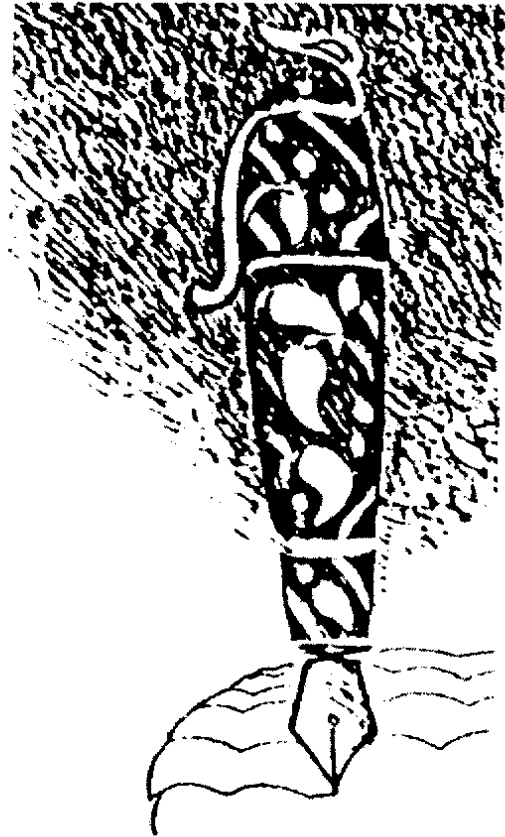
ناگفته نماند که عادات خوب و اخلاق پسندیده نیز مانند سیئات  
اخلاقی تحول‌پذیر و قابل تغییر می‌باشد. بنابراین، جوانانی که بر اثر  
تربیت‌های صحیح والدین و مربیان شایسته خود، از دوران کودکی  
خوب و با فضیلت بار آمده‌اند، مغرور نباشند و گمان نکنند که  
خلقیات پسندیده آنها به هر صورت و در هر شرایطی، باقی و پایدار  
می‌ماند و برای همیشه خوش‌بخت و سعادت‌مند خواهند بود، بلکه  
معاشرت‌های بد و محیط‌های فاسد می‌تواند نتایج خوب دوران  
کودکی را نابود کند و خلق و خوی پسندیده آنها را به عادات بد و  
صفات ناپسند تبدیل نماید. (۸۰)

مکتب آسمانی اسلام، که تربیت صحیح و سعادت‌بخش خود را  
بر اساس احیای تمایلات عالی انسانی و تعدیل غرایز و خواهش‌های  
نفسانی استوار نموده، به وسیله برنامه‌های علمی و عملی و از راه  
مراقبت در انجام فرایض دینی و تمرین وظایف عبادی و اخلاقی،  
پیروان خود را در احراز عادات پسندیده تقوا و مالکیت نفس و نیل به  
ملکات فاضله عدالت و اخلاق تشویق کرده است. (۸۱)

جوانان به دلیل علایق مذهبی، در مجالسی شرکت می‌کنند که در  
آن بحث و گفت‌وگو مطرح باشد و بدین‌روی، نقش سازمان‌های  
مذهبی و اجتماعات و به خصوص مساجد، در این زمینه، می‌تواند  
سرنوشت‌ساز باشد. هم بر اساس وظیفه انسانی و هم بر اساس  
تکلیف اسلامی، لازم است به هدایت و راهنمایی آنان پرداخت.

والدین به عنوان اولین مربیان جوان در محیط خانواده، مربیان  
مدارس در محیط مدرسه و متولیان و گردانندگان امور مساجد به  
عنوان سومین و عمومی‌ترین محیط و جامعه تربیتی نقشی مهم و  
اساسی ایفا می‌کنند.

تکیه بر مساجد به دلیل نقش تاریخی این پایگاه در زمینه تربیت  
و تعلیم از یک سو و جنبه دینی و مذهبی آن، که مطابق با فطرت پاک  
دوران جوانی و نوجوانی است، از سوی دیگر می‌باشد. بنابراین، یکی



۳- امام جماعت مسجد، ۶۹/۸ درصد؛

۴- کتابخانه مسجد، ۵۵/۶ درصد؛

۵- فعالیت کانون‌های فرهنگی مساجد، ۵۴ درصد؛

۶- هیئت امنای مسجد، ۳۶/۶ درصد.

با توجه به نتایج مذکور و بررسی نتایج تحقیقات دیگری که در این خصوص انجام گرفته است، در مجموع راهکارهای عملی ذیل به منظور جذب جوانان به مسجد پیشنهاد می‌شود:

### نکات کاربردی و پیشنهادی

۱- توسعه و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی؛

۲- افزودن بر جاذبه‌های مسجد؛ مانند برگزاری کلاس‌های هنری و علمی در رشته‌های گوناگون، تأسیس مکان‌های مناسب ورزشی و دعوت از مربیان با تجربه برای آموزش، برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی، نمایش فیلم و اجرای تئاتر و مانند آن با رعایت موازین اسلامی.

۳- تقویت مساجد از نظر امکانات ظاهری؛ مانند رسیدگی به ساختمان مسجد، نظافت و امکانات گرمازا و سرمازا از آن‌جا که در حال حاضر، بیش‌تر مساجد زیر نظر مرکز رسیدگی به امور مساجد اداره می‌شوند، این مرکز می‌تواند با همکاری نهادهای مستقر در استان‌ها و شهرستان‌ها، مانند اداره کل ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و پایگاه‌های بسیج، به تقویت مادی و معنوی مساجد همت گمارد.

۴- یکی از عوامل مهمی که بر اساس نتایج تحقیق، نقش تعیین‌کننده‌ای در جذب نسل جوان دارد، «امام جماعت مسجد» و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری وی در برخورد با نمازگزاران است. بنابراین، دقت در انتخاب امام جماعت با ویژگی‌های خاص (خوش رفتاری با جوانان، برخورداری از تقوای کافی و مانند آن) از نکات مهمی است که مرجع اعزام‌کننده باید مورد نظر قرار دهد.

۵- از عواملی که در جذب نسل جوان به مسجد نقش زیادی دارد، طولانی نشدن نمازهای جماعت است. امام جماعت باید در نظر گرفتن این نکته، که جذب و پس از آن حفظ جوانان در مسجد، به ظرافت‌های خاصی نیاز دارد، باید تلاش نماید تا رعایت حوصله و وقت نمازگزاران، به ویژه قشر جوان، را بنماید.

۶- تشکیل و تقویت کتابخانه مناسب برای مسجد و در اختیار داشتن کتاب‌های مفید و متنوع یکی دیگر از راهکارهای جذب جوانان به مسجد می‌باشد. برای جذب و استفاده بیش‌تر از امکانات کتابخانه، می‌توان به برگزاری مسابقات کتابخوانی، قصه‌نویسی و خلاصه‌نویسی کتاب و مانند آن اقدام کرد.

۷- بیان لطافت‌ها و ظرافت‌های نمازهای پیامبر ﷺ، ائمه اطهار علیهم‌السلام، اصحاب و الاتباعشان و علمای بزرگوار و رعایت اختصار در نمازهای جماعت؛

۸- معرفی نماز به عنوان عالی‌ترین، زیباترین و رساترین

از اساسی‌ترین وظایف والدین و مربیان تشویق و ترغیب قوی و عملی جوانان و نوجوانان به شرکت در برنامه‌های مساجد است.

### گزارشی از یک تحقیق

بی‌تردید، در زمینه نقش تربیتی مساجد پژوهش‌هایی انجام گرفته و منابع متعددی منتشر شده است. اما آنچه توسط نگارنده انجام شده پژوهشی است در زمینه برخی عوامل جذب جوانان به مسجد که با نظرخواهی از جوانان صورت گرفته و نتایج قابل توجهی به دست آمده است.

در این تحقیق، عوامل مورد نظر عبارت بودند از: امام جماعت، وضعیت ظاهری مسجد، کتابخانه مسجد، طولانی نشدن نماز جماعت، هیات امنای، و کانون فرهنگی مستقر در مسجد.

جامعه آماری این تحقیق ۴۳۸ نفر از جوانان مذهبی استان کرمان بودند که از طریق پرسشنامه پاسخ بسته، مورد نظرخواهی قرار گرفتند.

نتایج به دست آمده پس از تجزیه و تحلیل آماری، نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق جوانان وضعیت ظاهری مساجد (نظافت، ساختمان و امکانات مورد نیاز) را مهم‌ترین عامل جذب خود به مسجد می‌دانند. طولانی نشدن نمازهای جماعت، ویژگی‌های امام جماعت، کتابخانه، کانون‌های فرهنگی، و هیات امنای به ترتیب در درجه بعدی از اهمیت قرار دارند. درجه‌بندی عوامل مزبور بدین قرار است:

۱- وضعیت ظاهری مسجد، ۸۱/۱ درصد؛

۲- طولانی نشدن نمازهای جماعت، ۷۲/۲ درصد؛

- 37- Mahir, V. 1, P. 31  
 38- Muhammad Amin Tafiq... 11  
 39- Ibid, P. 11

۴۰- تقی الدین احمد المقریزی، الخطط، لبنان: مكتبة الاحياء العلوم، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۹  
 ۴۱- ۴۲- طه، الولی، المساجد فی الاسلام، پیشین، ص ۱۵۹  
 43- Mahir, oput, V. 1, P. 18  
 44- Ency clopedia of Islam, V. 3, P. 349  
 ۴۵- طه الولی، پیشین، ص ۱۶۲

46- Ibid, V. 3, P. 349  
 ۴۷- امام خمینی، پیشین، ص ۳۷ به بعد  
 ۴۸- ویلفرد کنت ول اسمیت، اسلام در جهان امروز، ترجمه حسنعلی مهروری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۰۱  
 ۴۹- ۵۰- ۵۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۷۹، ج ۱۸، ص ۲۷۶، ج ۱۷، ص ۶۰  
 ۵۲- ذبیح الله صفا، آموزش و دانش در ایران، ص ۶ و ۸  
 ۵۳- عبدالرحیم غنیمه، دانشگاه های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسای، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۷۱  
 ۵۴- احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، القاهرة، شركة طبع الكتب العربيه، ۱۳۱۹ ق، ص ۷۱ و ۷۸  
 ۵۵- ۵۶- عبدالرحیم غنیمه، پیشین، ص ۵۸، ص ۶۲  
 ۵۷- ابن فضل الله العمري، مسالك الاصبار، ج ۱، ص ۱۳۱  
 ۵۸- محمد غزالی، فاتحة العلوم، ص ۱۹  
 ۵۹- ابوعبدالله محمد بن عمر رازی، مناقب الامام الشافعی، ص ۲۰  
 ۶۰- ۶۱- ۶۲- عبدالرحیم غنیمه، پیشین، ص ۶۵  
 ۶۳- علی مبارک، الخطط التوفيقية، ج ۴، ص ۸۲۷  
 ۶۴- محمدباقر حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۷، ص ۲۸ به نقل از: ادموند کلیفورد باسورث، تاریخ سیستان، ترجمه حسن اندیشه، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۰  
 ۶۵- محمدباقر حجتی، همان، ص ۲۸  
 ۶۶- عبدالرحیم غنیمه، پیشین، ص ۷۰  
 ۶۷- محمد سلیمان الراوندی، راحة الصدور، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۱۸۰ / باقوت الحموی، معجم الادباء، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا، ص ۴۱۵

۶۸- تاریخ جدید یزد، ص ۶۷ به نقل از: ذبیح الله صفا، آموزش و دانش در ایران  
 ۶۹- ۷۰- علی قسائی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان، تهران، امیری، ۱۳۶۳  
 ۷۱- قیمة كل امرء ما یحسبته. (محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۰۱)  
 ۷۲- محمد تقی فلسفی، گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۸، ص ۴۶-۴۸  
 ۷۳- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۸۶  
 ۷۴- ۷۵- ۷۶- ۷۷- ۷۸- ۷۹- ۸۰- ۸۱- محمد تقی فلسفی، پیشین، ص ۵۳، ۶۰، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۶

### سایر منابع

حسین بن السید احمد الوافی، تاریخ الکوفه، النجف، المكتبة المرتضویه، ۱۳۵۶ ق  
 ابواسحاق هلال ثقفی، القمارات، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشار  
 محمد حسین زوار، جنگ میان دولت مصر و گروه های اسلامی  
 عباس سعیدی رضوانی، بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸  
 جلال الدین فارسی، انقلاب تکاملی اسلام، تهران، آسیا، ۱۳۵۷  
 جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا  
 محمد بن محمد النعمان مفید، الارشاد، ترجمه محمدباقر ساعدی، تهران، اسلامی، ۱۳۶۴  
 رحیم نوبهار، سیمای مسجد، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵  
 رحیم نوبهار، کوی دوست، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۶  
 مجله مسجد، ش. ۱- ۳۵  
 مجله یاد، ش. ۱۸، ۲۰- ۲۲، ۳۵- ۳۶

سپاس ها از پروردگار در برابر نعمت های مادی که خداوند به ما عطا فرموده است؛

۹- بیان آثار معنوی نماز؛ مانند این که نماز موجب روشنی چشم رسول خدا ﷺ می باشد، نماز موجب دوری انسان از فحشا و منکر است و مانند آن؛

۱۰- تشویق و تحسین جوانان و نوجوانان نمازگزار با اعطای جایزه های متنوع؛

۱۱- تبلیغات گسترده در مورد نماز و توجیه فواید و ارزشمندی آن. در پایان، لازم به ذکر است که مساجد آن گاه خواهند توانست نقش تاریخی خود را در تربیت عبادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایفا کنند که بتوانند مخاطبان خود، به خصوص نسل جوان، را جذب و حفظ نمایند. ■

### پی نوشت ها

- ۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۸۲، ص ۱۶۴
- ۲- ۳- محمد بن الحسن، الحر العاملی، وسائل الشیعه، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۴۲۲ / ج ۱، ص ۲۶۸
- ۴- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، التراث، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۳۶۱
- ۵- محمد بن الحسن الحر العاملی، پیشین، ج ۵، ص ۲۶۳
- ۶- محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت، ۱۹۸۵ م، ج ۱، ص ۱۴۶
- ۷- محمد بن عمر واقدی، المغازی، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۹۸۹ م، ص ۱۵۲
- ۸- روح الله الموسوی الخمینی، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۱۸، ص ۶۷
- ۹- فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۶۵
- ۱۰- ابی جعفر محمد صدوق، علل الشرایع، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۳۲۵
- ۱۱- میرزا حسین نوری، پیشین
- ۱۲- محمد بن الحسن حرّ عاملی، پیشین، ج ۵، ص ۳۷۲
- ۱۳- امام خمینی، در جست و جوی راه از کلام امام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱، دفتر دوم، ص ۱۹۲
- ۱۴- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۳۱۷
- ۱۵- عبدالکریم بی آزار شیرازی، تفسیر کاشف، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۲۹۲
- ۱۶- ۱۷- ۱۸- محمد رشیدرضا، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۰۶
- ۱۹- فخرالدین رازی، التفسیر الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق، ج ۱۶، ص ۹- ۱۰
- ۲۰- میرزا حسین نوری، پیشین، ج ۳، ص ۳۵۵ / ج ۳، ص ۳۶۳
- ۲۱- میرزا حسین نوری، پیشین
- ۲۲- ابی جعفر محمد صدوق، الخصال، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۰ / ج ۳، ص ۴۸۳
- ۲۳- ابی جعفر محمد صدوق، پیشین
- ۲۴- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۸۳، ص ۳۷۳
- ۲۵- طه الولی، المساجد فی الاسلام، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۵۹  
 26- 27- 28- 29- Encyclopedia of Islam, V. 3, P. 317.
- ۳۰- محمد مکی السباعی، نقش کتابخانه های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه علی شکویی، ص ۳۲
- 31- Ibid, V. 3, P. 317.
- 32- Ibid, V. 3, P. 346.
- 33 - 34- Ibid, V. 3, P. 348.
- 35- Abdol - Wahab, Waragal an al - Hadara... V. 1, P. 109
- 36- Dahman, P. 120